

A Study of Intertextuality in Religious Texts: An English Translation of Nahj al-Balaghah

Leila Niknasab^{*}, Ensieh Asgari^{}**

Amireh Niknam Pirzadeh^{*}**

Abstract

The present study aims to investigate the translation of intertextuality in an English version of Nahj al-Balaghah with a descriptive-comparative-analytical method based on Leppihalme's (1997) model. For this purpose, allusions - as a sub-branch of intertextuality - were extracted from sermons, letters and wisdoms and 41 samples were randomly selected and analyzed. The strategies for PN and KP allusions used by the English translator - Seyyed Ali Reza (1987) – were found and the transfer of the concepts behind these intertextual relations was examined. The results showed that, in most cases, the translator did not try to disambiguate the existing intertextuality for the translation of KP allusions, so he only provided a literal translation. The frequency of other strategies was low or zero. Regarding the translation of PN allusions, the two "literal strategy" and "additional information in the footnote" were equally used, and other strategies were ignored. This English translation has not conveyed the implicit concepts in many cases and tried to convey the beauty of literary words and meanings as they are in the original text, therefore no clarification has been made and the reader is required to discover and grasp these underlying concepts.

^{*} Instructor in the Department of Foreign Languages, Faculty Member of Hazrat-e Masoumeh University, Qom
(Corresponding Author), l.niknasab@hmu.ac.ir

^{**} Assistant Professor in the Department of Qur'an and Hadith Studies, Faculty Member of Hazrat-e Masoumeh University, Qom, asgari@hmu.ac.ir

^{***} MA Degree, Qur'an and Hadith Studies, Hazrat-e Masoumeh University, Qom, Madin114114@gmail.com

Date received: 19/09/2024, Date of acceptance: 03/03/2025



Keywords: Intertextuality, Key-phrase Allusion, Leppihalme's model, Nahj al-Balaghah, Proper Noun Allusion, Translation Strategies



بررسی بینامتنیت در متون حدیثی: مطالعه موردی ترجمه انگلیسی نهج البلاغه

لیلا نیک نسب*

انسیه عسگری**، امیره نیک نام پیرزاده***

چکیده

پژوهش حاضر در صدد است با شیوه توصیفی-تحلیلی و بر اساس مدل لپی هالم (leppihalme, 1997) ترجمه روابط بینامتنی در یک نسخه انگلیسی از نهج البلاغه را بررسی کند. بدین منظور، تعدادی از تلمیحات - به عنوان زیر شاخه ای از بینامتنیت - از خطبه ها، نامه ها و حکمت ها استخراج گردید و به طور تصادفی ۴۱ نمونه روابط بینامتنی ضمنی انتخاب و تجزیه و تحلیل شد. راهکارهای به کار گرفته شده توسط مترجم انگلیسی - سید علی رضا (۱۹۸۷) - استخراج و انتقال مفاهیم موجود در روابط بینامتنی علم و لفظی در متن مقصد بررسی شد. نتایج نشان داد که مترجم در بیشتر موارد برای ترجمه روابط بینامتنی لفظی سعی نکرده است تا بینامتنیت موجود را ابهام زدایی کند بنابراین صرفاً ترجمه تحت اللفظی ارائه داده است. فراوانی راهکارهای دیگر پایین بود و یا از آن راهکار استفاده نشده بود. در خصوص ترجمه روابط بینامتنی علم نیز بطور مساوی از دو راهکار «تحت اللفظی» و «افزودن توضیحات بیشتر در قسمت پاورقی متن» استفاده شد بقیه راهکارها تقریباً مشاهده نشد.

کلیدواژه‌ها: بینامتنیت، بینامتنی علم و لفظی، تلمیح، راهکارهای ترجمه، مدل لپی هالم.

* مربی مترجمی زبان انگلیسی، عضو هیئت علمی دانشگاه حضرت معصومه (س) (نویسنده مسئول)، قم، ایران،

l.niknasab@hmu.ac.ir

** استادیار علوم قرآن و حدیث، عضو هیئت علمی دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران، e.asgari@hmu.ac.ir

*** دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران،

Madin114114@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۳



۱. مقدمه

کریستوا (Kristeva) در حوزه پژوهش‌های خود در دهه ۱۹۶۰ به پیروی از باختین (Bakhtin) نظریه بینامتنیت (intertextuality) را مطرح کرد. وی معتقد است که می‌توان بین هر متن و متن‌های قبل از آن ارتباطی مشاهده کرد.

هر متنی محل تلاقی متن‌های دیگر است، بینامتنی است که در قالب یک متن عرضه شده است و گفته‌های متعددی که از متن‌های دیگر گرفته شده‌اند، در آن با هم تلاقی می‌کنند و یکدیگر را خشتی می‌کنند. (آلن، ۲۰۰۰: ۱۰۱).

آلن معتقد است: متن چیزی منفرد و مجزا نیست، بلکه بیشتر نوعی متنیت فرهنگی است که تدوین شده است؛ دیگر آن که متن منفرد و متن فرهنگی ماده متنی مشترکی دارند و نمی‌توان آنها را از هم جدا کرد. از نظر کریستوا متن آرایش متنی عناصری است که معنایی دو گانه دارند: یکی معنایی «زبانی» در خود متن، و دیگری معنایی «در بستر» تاریخی و اجتماعی. (فرحزاد، ۱۳۹۸: ۳۷).

فرحزاد (۲۰۱۲) دو نوع بینامتنیت معرفی می‌کند که عبارتند از بینامتنیت آشکار و پنهان. در بینامتنیت آشکار نقل قول مستقیم، و ذکر بینامتن‌های دیگر را داریم ولی در بینامتنیت پنهان، رابطه میان بینامتن‌ها بر اساس مفاهیم است.

ژنت بینامتنیت را به سه دسته بزرگ تقسیم می‌کند: صریح و لفظی، کمتر صریح و غیر صریح و باز کمتر صریح. در بینامتنیت صریح و لفظی حضور یک متن در متن دیگر دیده می‌شود و مولف نیز مرجع متن را پنهان نمی‌کند. مانند نقل قول‌ها که داخل گیومه درون متن آورده می‌شوند. دسته دوم که بینامتنیت کمتر صریح و غیر صریح نام دارد به سرقت ادبی - هنری مرتبط است. بدین معنا که مولف سعی می‌کند مرجع بینامتن را پنهان کند. و در نوع سوم که بینامتنیت ضمنی نیز نامیده می‌شود مرجع بینامتن پنهان است ولی مولف قصد پنهانکاری ندارد و با نشانه‌هایی می‌توان مرجع را تشخیص داد و این کار عمدتاً در متون ادبی اتفاق می‌افتد. (نامور مطلق، ۱۳۸۶).

در این نوع بینامتنیت عده خاصی یعنی مخاطبان خاصی که نسبت به متن اول یعنی (متنی که مورد استفاده قرار گرفته است) آگاهی دارند، متوجه بینامتن می‌شوند. مهم‌ترین اشکال این نوع بینامتن کنایات، اشارات، تلمیحات و ... است. ژنت در این خصوص می‌گوید: بینامتنیت در کمترین شکل صریح و لفظی‌اش، کنایه است، یعنی گفته‌ای که نیاز به ذکاوت

بررسی بینامتنیت در متون حدیثی: مطالعه موردی ترجمه ... (لیلا نیک نسب و دیگران) ۲۳۱

فراوانی دارد تا ارتباط میان آن متن و متن دیگری که ضرورتاً بخش‌هایی را به آن باز میگرداند، دریافت شود. (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۸۹).

گیل (Gale, ۲۰۰۰) از واژه بینامتنیت به جای تلمیح و ارجاع استفاده می‌کند و معتقد است بینامتنیت واژه‌ای بسیار کلی است و اشارات (تلمیح) و ارجاعات را نیز شامل می‌شود. بینامتنیت می‌گوید که معنای یک متن به وسیله رابطه آن متن با متون پیشین و معاصر شکل می‌گیرد و این تلمیح است که توجه خواننده متن را به این روابط معطوف می‌دارد. بنابراین، شناسایی تلمیح بخشی از فرآیند تفسیر بینامتنی به شمار می‌رود یعنی خواننده با متن در تعامل است تا معنا بیافریند.

تلمیح آرایه‌ای است که به صورت واژگانی- نحوی تولید می‌شود، یعنی به طور نامحسوس به سایر اشکال زبان مجاز، «به ویژه بازی با کلمات، استعاره و کنایه» انتقال می‌یابد. (ویلس، ۱۹۸۹، Wilss. به نقل از لنون، ۲۰۰۴، Lennon) لنون (۲۰۰۴) که درباره معنا در یک زبان بحث می‌کند، نظر کریستال (۱۹۹۸) را مطرح می‌کند که در واقع «بازی زبانی» نسبی است، گاهی اوقات کاربران می‌توانند با دانستن معانی اصطلاحی و جافتاده در یک زبان، مفهوم را دریابند، یعنی تنها توانش زبانی برای فهم معنا لازم است، در حالی که در برخی شرایط درک کامل مفهوم مستلزم کسب دانش فرهنگی آن زبان است، درست مانند فهم تلمیحات ظریفی که نیازمند آشنایی با یک فرهنگ خاص است.

در ساز و کار زبان، تلمیح به عنوان مولفه‌ای اصلی به شمار می‌رود؛ دقیقاً به این دلیل که هیچ تناظری یک به یک بین صورت و معنا در سطح کلمه وجود ندارد در نتیجه، خواننده احتمالاً با ابهام مواجه می‌شود. زمانی که فرد از سطح کلمه به سطح بالاتر می‌رود، یعنی معنا را در سطح عبارت، بند و یا جمله جستجو می‌کند، با راهکارهای پیشنهادی برای بیان معنا در هر زبانی آشنا خواهد شد. مضافاً این که، ترکیب‌های مختلف ممکن است معنای ارجاعی یکسانی را بیان کنند، اما در سطوح معنایی دیگر متفاوت باشند. (لنون، ۲۰۰۴)

عالمان فن بلاغت، تلمیح را در مجموعه صنایع معنوی و بدیع قرار داده‌اند و برخی آن را مترادف و بعضی آن را نوعی تضمین می‌دانند. فن تلمیح در کتب بلاغی دارای یک تاریخچه خاص است و باید ریشه‌های آن را در شعرهای اصیل و زبان غنی عربی جستجو کرد. شاعران و نویسندگان ماهر عرب همواره با استفاده از فنون بلاغت و بدیع، خوانندگان و شنوندگان را با زیبایی کلام خود جذب خود کرده‌اند. (طباطبائی، ۱۳۹۵) نهج البلاغه نیز، به دلیل استفاده از این هنر زیبا، بسیار در خور توجه است.

۱.۱ بیان مسئله

نظریه پردازان همواره در مورد بهترین راهکارهای ترجمه متون مختلف بحث و تبادل نظر داشته اند. مشکل این است که این موضوع اغلب بدون در نظر گرفتن بافتی که در آن ترجمه انجام می شود، مورد بحث قرار می گیرد و به شرایط اجتماعی ترجمه توجه چندانی نمی شود. در واقع برای رفع این مشکل باید به این سؤالات پاسخ داد: چه کسی چه چیزی را ترجمه می کند، برای چه کسی، چه زمانی، کجا، چرا و در چه شرایطی؟ (هتیم و میسون، ۱۹۹۰، Hatim and Mason).

هر نوع خاصی از ترجمه با دو زبان و سیستم زبانی مختلف سر و کار دارد و در دو بافت اجتماعی-تاریخی مختلف عمل می کند. یک بینامتنی که به زبان دیگری ترجمه می شود ابتدا بافتارزدایی شده؛ از بافت خود جدا می شود و در یک بافت اجتماعی-تاریخی جدید قرار می گیرد. بدین ترتیب حرکت از یک بافت به سوی بافت دیگر باعث می شود که ویژگی های بینامتنی جدیدی به آن تعلق گیرد که با شیوه های گفتمانی متن مقصد مرتبط است. (فرحزاد، ۲۰۱۲)

به گفته لپی هالم (۱۹۹۷)، برای ترجمه تلمیح ها، یک مترجم دو زبانه نمی تواند موفق عمل کند، بلکه مترجم باید دوفرهنگی باشد، در این صورت متن مبدأ را کاملاً درک می کند و می تواند آن را به خوانندگان متن مقصد انتقال دهد.

واضح است که خوانندگان متن مقصد که در فرهنگ متفاوتی رشد کرده اند، اغلب قادر به تشخیص روابط بینامتنی علم و لفظی موجود در متن مورد نظر نیستند؛ این نوع روابط بینامتنی معمولاً معنا یا مفاهیمی دارند که صرفاً توسط خوانندگان فرهنگ مبدأ درک می شود، و ممکن است مطلبی را به خوانندگان متن مقصد، که این گونه اشارات در فرهنگ آنها به صورت های مختلف دیگرارائه شده است، منتقل نکنند.

به گفته هتیم و میسون (۱۹۹۰) مترجمان باید برای تلمیحات متن مبدأ در متن مقصد به گونه ای معادل یابی کنند که آنچه عمداً در لفافه بیان شده است به صراحت توضیح داده نشود، و این در حالی است که معنای تلمیح نیز به ذهن خواننده متبادر گردد. وقتی نویسنده ای تلمیحی به کار می برد از زبان متن دیگر استفاده مجدد می کند (مانند وامگیری) و هدفش این است که خواننده پژواک آن متن را بشنود، بافت متن مبدأ را بازیابی کند و تبادل معنایی موجود بین متن اصلی و متن جدید (استفاده مجدد) نیز حائز اهمیت می باشد.

۲.۱ سوالات تحقیق

در این تحقیق سوالات زیر را پاسخ می دهیم:

۱. مترجم از چه راهکارهایی برای برگردان تلمیحات استفاده کرده است؟ و آیا بینامتنیت موجود در متن مبدا در متن مقصد نیز منعکس شده است یا خیر؟
۲. با توجه به لزوم انتقال مفاهیم ضمنی که در این روابط بینامتنی وجود دارد، در ترجمه انگلیسی چه اندازه به خوانندگان متن مقصد توجه شده است؟

۳.۱ چهارچوب نظری پژوهش

لپیهالم (۱۹۹۷) بین دو دسته روابط بینامتنی تمایز قائل می شود که عبارتند از روابط بینامتنی علم (تلمیحات اسامی خاص) و روابط بینامتنی لفظی (عبارات تلمیحی). هر کدام از این دو دسته نیازمند راهکارهایی خاص در ترجمه هستند. راهکارهای ترجمه تلمیحات اسامی خاص عبارتند از:

- (۱) حفظ نام (بدون تغییر یا بصورت متداول آن در زبان مقصد) که ممکن است به یکی از شکل های زیر انجام شود:

(1a) حفظ بدون تغییر یا به صورت متداول آن در زبان مقصد

(1b) حفظ نام بدون تغییر و اضافه کردن توضیحات کوتاه

(1c) حفظ نام و اضافه کردن توضیحات مفصل

- (۲) جایگزین کردن نام با نام دیگر که به یکی از شکل های زیر انجام می شود:

(2a) جایگزین کردن نام با نام دیگری در زبان مبدا

(2b) جایگزین کردن نام با نام دیگری در زبان مقصد

- (۳) حذف نام که ممکن است به یکی از شکل های زیر انجام شود:

(3a) معنا و مفهوم (اشارات تلمیحی) در متن مقصد حفظ می شود

(3b) نام و اشارات تلمیحی آن حذف می شود

لپیهام تاکید می کند که معمولاً راهکار (۱) کاربرد بیشتری دارد مگر در ارتباطات بینا فرهنگی که این راهکار چندان مطلوب به نظر نمی رسد و راهکارهای دیگر استفاده می شوند. راهکارهای ترجمه عبارات تلمیحی به شرح زیر است:

- (A) استفاده از ترجمه جافتاده و قابل قبول در متن مقصد
- (B) ترجمه تحت اللفظی (با تغییر بسیار مختصر) بدون توجه به معنای ضمنی و بافتاری
- (C) استفاده از عناصر فرا تلمیحی برای متن؛ استفاده از یک شیوه چاپی یا شیوه نوشتاری خاص برای نشان دادن عبارات تلمیحی
- (D) اضافه کردن توضیحات بیشتر در پاورقی، بخش پایانی یا تصریح کردن تلمیح در جایی خارج از خود متن
- (E) استفاده از عناصر متنی برای اشاره به کلمات قرضی (به عنوان مثال با نحو یا چینش متفاوت کلمات)
- (F) جایگزین کردن عبارت تلمیحی با یک عبارت تلمیحی در متن مقصد
- (G) تصریح کردن معنای عبارت تلمیحی به صورت آشکار در متن و حذف کردن عبارات تلمیح
- (H) باز آفرینی تلمیح در یک متن به صورتی خلاقانه برای بازتولید تاثیرات ناشی از تلمیح
- (I) حذف کامل
- (J) شیوه ترکیبی (ترکیب هر کدام از راهکارهای ذکر شده)
- لازم به ذکر است که مورد آخر (J) توسط محققین این مقاله در نظر گرفته شده و در مدل لپی‌هالم دیده نمی شود.

۲. پیشینه تحقیق

مسئله تلمیحات عناصری فرهنگ-محور هستند و میزان قابل فهم بودن آنها به واسطه موانع زبانی و فرهنگی مختلف بسیار متفاوت است. به نظر می رسد راهکارهای گوناگونی که مترجمان برای نشان دادن بینامتنیت ها انتخاب می کنند، نقش مهمی در شناساندن و درک مفاهیمی دارد که همراه این عناصر منتقل می شوند. اگر بخواهیم اندیشه ها و مفاهیمی که در تلمیحات زبان مبدا وجود دارد را به خوانندگان زبان مقصد منتقل کنیم، منطقی است که مترجمان توضیحاتی به متن ترجمه شده بیفزایند. لپی‌هالم (۱۹۹۷) معتقد است که ترجمه عناصر تلمیح احتمالا چالش هایی پیش رو می گذارد. حتی اگر متن مبدا هم در کنار متن ترجمه شده پیش روی خوانندگان متن مقصد باشد در صورتی که خوانندگان زبان مقصد آشنایی کافی با

بررسی بینامتنیت در متون حدیثی: مطالعه موردی ترجمه ... (لیلا نیک نسب و دیگران) ۲۳۵

زبان مبدا داشته باشند، ممکن است مفاهیم ضمنی بسیاری از تلمیحات برای خوانندگان روشن نباشد زیرا در فرایند خواندن این مفاهیم در ذهن خلق نمی شوند. و دیگر اینکه همه خوانندگان متن ترجمه شده یک گروه همگن به شمار نمی روند؛ بعضی از آنها ترجیح می دهند تلمیحات بصورت تصریح نشده در متن باقی بمانند و خود فرصتی برای کشف معنا و لذت بردن از متن را تجربه کنند و مشاهده توضیحات بیشتر برای روشن شدن مطلب را ضعف ترجمه تلقی می کنند.

۱.۲ مرور مطالعات گذشته

تاکنون پژوهش های بسیاری در حوزه بینامتنیت و بطور ویژه ترجمه تلمیحات در متون ادبی و مذهبی انجام شده است. از آنجا که مدل لپی هالم در ارائه راهکار برای انواع تلمیحات کامل است، تاکنون رایج ترین چهارچوب نظری برای بررسی ترجمه های انجام شده در این حوزه بوده است. در این قسمت به چند مورد از تحقیقات اخیر در این زمینه اشاره می کنیم.

صفری و نیک نسب (۱۴۰۰) در تحقیق خود به مقایسه دو ترجمه انگلیسی از هفت پیکر نظامی با متن مبدا پرداختند تا بر اساس چهارچوب نظری گمبیر (Gambier, ۲۰۰۱) راهکارهای انتخاب شده مترجمان برای ترجمه تلمیحات را بررسی کنند. نتایج نشان داد که پرکاربردترین راهکار هر دو مترجم ترجمه تحت اللفظی بوده است؛ مترجم نخست این اثر را به نثر و مترجم دوم به نظم ترجمه کرده است. در کل ترجمه دوم تا حدی موفق ارزیابی شد زیرا با استفاده از توضیحات در کنار ترجمه تحت اللفظی در بسیاری از موارد ابهام زدایی صورت گرفت. در ترجمه نخست به دلیل استفاده فراوان از راهکار ترجمه تحت اللفظی، ترجمه نادرست بسیاری از ابیات و حذف تلمیح در برخی موارد، نسخه ای مبهم از ترجمه در اختیار مخاطب قرار گرفته و میتوان گفت در انتقال مفاهیم و تاثیرگذاری بر مخاطب عملکردی ضعیف داشته است.

در پژوهشی با عنوان «بررسی مقایسه ای ترجمه ی تلمیح در دو ترجمه ی فارسی از هملت طبق مدل لپی هالم» راهکارهای ترجمه تلمیح بر اساس مدل لپی هالم مورد بررسی قرار گرفتند. روش تحقیق مقایسه ای- توصیفی بود و پیکره تحقیق را تراژدی هملت اثر شکسپیر و دو ترجمه فارسی آن توسط مسعود فرزاد و میرشمس الدین ادیب سلطانی تشکیل داد. نتایج نشان داد که ادیب سلطانی در ترجمه تلمیح ها از راهکارهای «استفاده از نام به همان شکل که هست»، «ترجمه تحت اللفظی»، و «جایگزینی با یک آیتم کاربردی در زبان مقصد» استفاده کرده است. فرزاد نیز از راهکارهای «استفاده از نام به همان شکل که هست»، «حذف نام و تلمیح با

هم»، «ترجمه تحت اللفظی»، و «جایگزینی با یک آیت‌م کاربردی در زبان مقصد» بهره برده است. (خسروی، ۱۳۹۹)

شفیعون (۱۳۹۹) در پایان نامه خود به مطالعه روابط بینامتنی بین برگردان اصطلاحات فرهنگی و اشارات قرآنی در ترجمه های اولیه و ثانویه مولانا در دیوان شمس توسط دو مترجم انگلیسی پرداخت. هدف از این تحقیق شناسایی راهکارهای مترجمان در ارائه موارد مورد نظر و مطالعه این راهکارها برای بررسی روابط بینامتنی بود. یافته ها نشان داد که در ۳۷ مورد روابط توافقی بین دو نسخه از نظر اصطلاحات دارای بار فرهنگی وجود دارد.

دلنواز احمدی (۱۳۹۷) به بررسی راهکارهای مترجمان دیداری-شنیداری برای انتقال تلمیحات زبانی در دوبله فیلم های سینمایی انگلیسی زبان پرداخت. نتایج نشان داد که مترجمان این آثار از راهکارهای مختلفی استفاده کرده اند. راهکار انتقال مستقیم بیشترین فراوانی را در انتقال تلمیحات اسامی خاص داشت و راهکارهای جایگزینی با اسم دیگر از زبان مبدا و وامگیری کمترین فراوانی را به خود اختصاص دادند. در خصوص ترجمه عبارات تلمیحی نیز وامگیری، ترجمه استاندارد و معادل بومی به ترتیب بیشترین کاربرد را داشتند.

در خصوص ترجمه روابط بینامتنی نهج البلاغه به انگلیسی تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است و این مقاله در صدد است راهکارهای به کار رفته در یک نسخه انگلیسی این اثر را استخراج کرده و میزان موفقیت آن ها را در انتقال روابط بینامتنی پنهان بررسی کند.

۳. روش تحقیق

مقاله حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی و کتابخانه ای انجام گرفت؛ در این پژوهش، ۴۱ مورد تلمیح اسامی خاص و عبارات تلمیحی به طور تصادفی انتخاب و به دقت مطالعه شد و تمام نمونه های این نوع تلمیح بر اساس مدل پیشنهادی دسته بندی و معادل های انگلیسی آنها استخراج گردید. ترجمه انگلیسی مورد بررسی توسط سید علی رضا (۱۹۸۷) به چاپ رسیده است. این ترجمه انگلیسی از ترجمه های قدیمی به شمار می رود در سال ۱۹۷۳ پیرمحمد ابراهیم در کراچی آن را در سه جلد چاپ کرده است و بار دیگر مؤسسه جهانی خدمات اسلامی در تهران، سال ۱۹۸۰ در ۸۱۶ صفحه به چاپ رسانده است. و نیز در سال ۱۹۸۷ در مرکز بررسی های اسلامی قم تجدید چاپ شده است.

باید خاطر نشان ساخت که تلمیحات این اثر ارزشمند فراوان و در خور توجه است ولی با توجه به حجم مقاله حاضر در اینجا صرفاً نمونه هایی بررسی شدند که بینامتنیت ضمنی به

بررسی بینامتنیت در متون حدیثی: مطالعه موردی ترجمه ... (لیلا نیک نسب و دیگران) ۲۳۷

شمار می روند- یعنی در جملات قبلی و بعدی آنها نمی توان این ارجاعات و اشارات معنایی را کشف کرد و نیازمند توضیحات بیشتر و راهنمایی مترجم برای فهم معناست- و بینامتنیت صریح موضوع تحقیق نیست. این مطالعه توصیفی-تحلیلی بر اساس راهکارهای ترجمه دو دسته روابط بینامتنی پیشنهاد شده توسط لپیهالم (۱۹۹۷) انجام شد تا مشخص شود آیا اسامی خاص و عبارات تلمیحی ترجمه شده برای خوانندگان متن مقصد تصریح شده است یا خیر. در پایان نتایج بدست آمده، فراوانی و کارایی هر کدام از راهکارها به تفصیل بیان خواهد شد.

۴. تحلیل داده‌ها

نمونه اول: أَرْضٍ عَالِمُهَا مُلْجَمٌ وَ جَاهِلُهَا مُكْرَمٌ. (خطبه ۲)

T2: They were in a land where the learned were in bridle (keeping their mouths shut) while the ignorant were honored.

(سید علی رضا، ص ۳۰)

نکته: این قسمت از خطبه در بیان احوال مردم دوران جاهلیت است که در جنگ صفین ایراد شده است. اینکه مراد امیرالمومنین (ع) از «جَاهِلُهَا»، کنایه به شخص معاویه باشد محتمل است. امیرالمومنین (ع) این کنایه را به غرض نکوهش معاویه، به این صورت بیان فرموده اند. (رستمی، ۱۳۷۳، ص ۸۱)

ابن ابی الحدید نیز موافق با این مسئله است که منظور از ارض، مکه است. چرا که «جاهلها» را شخصی معرفی می کند که صدق محمد (ص) را تکذیب می کند و منظور از «عالمها» را افرادی معرفی می کند که به حضرت رسول (ص) ایمان آورده اند. از میان افرادی که در زمان ظهور اسلام با حضرت محمد (ص) مخالفت می کردند، ابو سفیان و فرزندش معاویه نیز بودند. (ترجمه شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۱۷۲)

راهکار ترجمه: (1c)

مترجم ترجمه‌ای تحت اللفظی ارائه می دهد و در پاورقی به جمله «فِي خَيْرِ دَارٍ وَ شَرِّ جِيرَانٍ» که در جمله‌های پیشین آمده «خَيْرِ دَارٍ» را مکه معرفی کرده، و «شَرِّ جِيرَانٍ» (بدترین همسایگان)، را بی ایمانان از اهل قریش معرفی کرده است.^۱ البته که یکی از جاهلان سرزمین مکه ابوسفیان و پسرش معاویه بودند.

نمونه دوم: حَتَّى لَقَدْ وَطِئَ الْحَسَنَانِ وَ شُقَّ عِطْفَايَ (خطبه ۳)

چندان که حسنان فشرده گشت و دو پهلویم آزرده.

T2: so much so that Hasan and Husayn were getting crushed and both the ends of my shoulder garment were torn.

(سید علی رضا، ج ۱، ص ۲۳)

در شرح ابن الی الحدید مراد از واژه «الْحَسَنَان» امام حسن و امام حسین (ع) دانسته شده است. البته او از قول قطب راوندی این واژه را مرتبط به دو انگشت پا می‌کند ولی خودش نظری در این مورد ندارد. در ادامه از پاره شدن عبای حضرت نیز به هنگام ایراد خطابه یاد کرده (شق عطفای) که این امر را به علت ازدحام می‌داند؛ هرچند این احتمال هم می‌دهد که «شق» به معنای آزدگی پهلوه‌های حضرت باشد. (ترجمه شرح ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۴۵)

ابن میثم نیز ازدحام اطراف امام (ع) را خاطر نشان کرده است و عبارت «الْحَسَنَان» به معنای «حسن و حسین فرزندان آن حضرت» برداشت شده است. جلوتر، از قول سید مرتضی و او به نقل از ابا عمر محمد بن عبدالواحد غلام ثعلب، توضیح می‌دهد که واژه «الْحَسَنَان» را به دو انگشت پا تعبیر کرده است. سپس به ابیاتی اشاره می‌کند که در آن واژه «حسن» به معنای انگشت پا بوده است.^۲ که در هر دو صورت باز هم می‌توان ازدحام جمعیت را نتیجه گرفت. البته ابن میثم نظر سید مرتضی را هم می‌پذیرد ولی معنای حسن و حسین را با سیاق کل خطبه موافق تر می‌داند. (ترجمه شرح نهج البلاغه ابن میثم، ج ۱، ص ۵۳۵-۵۲۵)

راهکار ترجمه: (2a). مترجم از دو واژه دیگر زبان مبدا یعنی «حسن» و «حسین» به جای واژه «حسنان» استفاده کرده است. البته لازم به ذکر است که مترجم از تصریح معنای دوم این واژه صرف نظر کرده است و دریافت آن را به مخاطب سپرده است. در این ترجمه اشاره‌ای به معنای کنایی پامال شدن حسنین (ع) نشده و به ترجمه جمله‌های بعد و قبل در رساندن مفهوم، اکتفا شده است.

نمونه سوم: كُتِمُ جُنْدَ الْمَرْأَةِ (خطبه ۱۳)

T2: You were the army of a woman

(سید علی رضا، خ ۱۳، ص ۵۶)

در این عبارت سپاه زن بودن {مراد از زن در اینجا عایشه است}، نکوهش امام را مرتبط به پیروی اصحاب جمل از یک زن می‌داند. (ابن میثم، ج ۱، ص ۲۹۰)

این عبارت کنایه‌ای است که به غرض تحقیر و مذمت یاران عایشه در جنگ جمل بیان شده است. سپاه زن بودن، کنایه از ضعف یاران عایشه و ضعف پیمان‌ها و بیعت‌هاییست که با امیرالمومنین (ع) بسته بودند. (رستمی، ص ۲۰۹)

بررسی بینامتنیت در متون حدیثی: مطالعه موردی ترجمه ... (لیلا نیک نسب و دیگران) ۲۳۹

راهکار ترجمه: (1c)؛ مترجم داخل متن ترجمه تحت اللفظی ارائه داده و نیز به ابتدای خطبه یک پاورقی ذیل می‌کند و در آن جا در مورد مردم مصر و عهد شکنی شان و جنگ جمل صحبت می‌کند.

نمونه چهارم: الْيَمِينُ وَالشِّمَالُ مُضَلَّةٌ وَالطَّرِيقُ الْوُسْطَى هِيَ الْجَادَةُ (خطبه ۱۶)

چپ و راست - کمینگاه - گمراهی است، و راه میانگین راه راست - الهی است.

T2: On right and left there are misleading paths. Only the middle way is the (right) path

. (سیدعلی‌رضا، خ ۱۶، ص ۶۵)

خوبی در منهای البراهه می‌نویسد که راه راست و چپ کنایه از جبت و طاغوت است و راه وسط کنایه از ولایت امیرالمومنین (ع).^۳ (هاشمی، ۱۳۵۸، ج ۳، ص ۲۳۶)

ابن میثم مراد از یمین و شمال را افراط و تفریط در علم و عمل می‌داند و صحبت از سابقین و لاحقین و مقصرین می‌کند و هدایت را به سوی جاده وسط به دست خدا می‌داند. جاده وسط را نیز همان حکمت الهی و سنتی می‌داند که به دست پیامبر (ص) به ما رسیده و عمل به این سنت را سبب عدالت و عمل به عدالت را سبب رستگاری می‌داند و هر گونه تعدی از این عدالت را، افراط و تفریطی می‌داند که از جاده مستقیم به دور است و در عاقبت منجر به دخول در عذاب الهی می‌شود. (ترجمه شرح نهج البلاغه ابن میثم، ج ۱، صفحه ۶۱۵-۶۰۳)

راهکار ترجمه: (B)؛ صرفاً ترجمه تحت اللفظی ارائه شده و هیچ توضیحی ذیل آن نیامده است. مفاهیم ضمنی منتقل نشده اند.

نمونه پنجم: مَا يُدْرِيكَ مَا عَلَيَّ مِمَّا لِي، عَلَيْكَ لَعْنَةُ اللَّهِ وَلَعْنَةُ اللَّاعِنِينَ، حَائِكُ ابْنُ حَائِكٍ، مُنَافِقُ ابْنُ كَافِرٍ؛ (خطبه ۱۹)

تو چه می‌فهمی چه چیز به سود من است یا به زیان من؟ لعنت خدا و لعنت همه لعنت کنندگان بر تو باد ای بافنده (دروغ) و فرزند بافنده و ای منافق فرزند کافر!

T2: How do you know what is for me and what is against me?! Curse of Allah and others be on you. You are a weaver and son of a weaver. You are the son of an unbeliever and yourself a hypocrite.

(سیدعلی‌رضا، خ ۱۹، ص ۷۲)

ابن میثم قضیه را مرتبط با اشعث بن غیث می‌داند که به امام اعتراض کرده و امام هم می‌فرماید که شخص جاهلی همچون اشعث حق ندارد به امام ایراد بگیرد؛ در حالی که امام

بعد از رسول خدا (ص) استاد همه دانشمندان است. ایشان جملاتی دیگر در بیان علت بی عقلی شخص حائک بیان می‌دارد؛ مثل اینکه او بافنده بوده و بافندگان به علت سر و کار داشتن با زنان و کودکان و یا به علت مشغولیت ذهنی جهت تنظیم نخ‌ها و ... دارای عقول ضعیفی هستند. در آخر، این معنی را نیز بیان می‌دارد که احتمالا مراد از حائک، تکبری بوده که در اشعث وجود داشته. او به سبک بافندگان راه می‌رفته و شانه‌هایش را بالا می‌انداخته که این نشانگر تکبر او بوده است. از این رو امام این شخص را حائک بن حائک خطاب می‌کند که به گفته ابن میثم استعاره‌ای در این واژه نهفته است که به معنی کم عقلی اشعث می‌باشد. (شرح ابن میثم، ج ۱ ص ۳۲۳)

راهکار ترجمه: (B)؛ صرفا ترجمه تحت اللفظی ارائه شده و هیچ توضیحی ذیل آن نیامده است.

نمونه ششم: أَمَّا إِنَّهُ سَيُظْهَرُ عَلَيْكُمْ بَعْدِي رَجُلٌ رَحْبُ الْبُلْعُومِ، مُنْدَحِقُ الْبَطْنِ (خطبه ۵۷)

همانا پس از من مردی بر شما چیره شود، که گلوئی گشاده دارد و شکمی برون افتاده.

T2: Soon after me, there would be put on you a man with a broad mouth and a big belly.

(سید علی‌رضا، خ ۵۷، ص ۱۳۷)

ابن میثم در شرح خود تصریح می‌کند که در بین شارحان اختلاف نظر بوده پیرامون این مسئله که مرد گشادگلو چه کسی است؛ هرچند اکثر آنان معاویه را مراد از این مرد می‌دانند؛ چرا که مردی بزرگ شکم و پرخور بوده. (ترجمه شرح نهج البلاغه ابن میثم، ج ۲، ص ۳۲۴-۳۲۰) به بیان ابن ابی الحدید، معاویه شبیه ترین فرد به معنای کلام امیرالمومنین (ع) است. (ترجمه شرح ابن ابی الحدید، ج ۴ ص ۵۵)

راهکار ترجمه: (B)؛ صرفا ترجمه تحت اللفظی ارائه شده و هیچ توضیحی ذیل آن نیامده است. مترجم «رَحْبُ الْبُلْعُومِ» را همان گشاده دهان ترجمه می‌کند و حتی اشاره به این مسئله نمی‌کند که منظور از گشاده دهان بودن، شکمبارگی می‌باشد. اگرچه این ترجمه صرفا تحت اللفظی است، باید دید که در ذهن مخاطب چه مفهومی ایجاد می‌کند. با تتبع در کلماتی که مترجم انتخاب کرده، مخاطب می‌تواند هم برداشت شکمو از این عبارت داشته باشد و هم برداشت پر حرف که با نظر به عبارت بعدی، «مُنْدَحِقُ الْبَطْنِ» (دارای شکمی بزرگ بودن)، خواننده می‌تواند برداشت خود از عبارت قبلی را تعدیل کند. ولی اینکه چنین عبارتی اشاره به چه کسی یا چیزی دارد تصریح نشده است.

بررسی بینامتنیت در متون حدیثی: مطالعه موردی ترجمه ... (لیلا نیک نسب و دیگران) ۲۴۱

نمونه هشتم: مُسْتَقَرُّ خَيْرٍ مُسْتَقَرٍّ وَ مَنَبَتُهُ أَشْرَفُ مَنَبَتٍ فِي مَعَادِنِ الْكَرَامَةِ وَ مَمَاهِدِ السَّلَامَةِ (خطبه ۹۶)

قرارگاه او بهترین قرارگاه است. و خاندان او را شریفترین پایگاه است، از کانهای ارجمندی و کرامت، و مهدهای پاکیزگی و عفت

T2: His place of stay is the best of all places and his origin the noblest of all origins in the mines of honor and the cradles of safety.

(سید علی رضا، خ ۹۶ ص ۲۱۹).

در این فراز که امیرالمومنین (ع) در صدد بیان برکت وجودی حضرت رسول اکرم (ص) هستند، عبارت «مُسْتَقَرُّ خَيْرٍ مُسْتَقَرٍّ ... مَمَاهِدِ السَّلَامَةِ» کنایه‌ایست از شهرهای مکه و مدینه که به سبب مدح این دو شهر به این صورت زیبا بیان شده است. (رستمی، ص ۱۰۱)

ابن میثم اشاره به مکه به عنوان معنای «مُسْتَقَرُّ» می‌کند و علت آن را ام القراء بودن و جایگاه کعبه بودن بیان می‌دارد. «مَمَاهِدِ السَّلَامَةِ» را نیز کنایه‌ای از مکه و مدینه بیان می‌دارد که جایگاه عبادت خدا و خلوتگاه راز و نیاز با اوست و به همین لحاظ محل سلامتی و امن از عذاب الهی است. (ترجمه شرح ابن میثم، ج ۲، ص ۸۴۰-۸۴۱)

راهکار ترجمه: (B)؛ صرفاً ترجمه تحت اللفظی ارائه شده و هیچ توضیحی ذیل آن نیامده است. مترجم ترجمه‌ای تحت اللفظی ارائه داده و هیچ اشاره‌ای به شهرهای مکه و مدینه در ترجمه یافت نشد.

نمونه هشتم: لَكَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَى ضَلِيلٍ قَدْ نَعَقَ بِالشَّامِ (خطبه ۱۰۱)

گویی مردی را می‌بینم سخت گمراه -دینش در راه دنیا تباه- که از شام بانگ بردارد و در تازد

T2: Well, it is as though I see a misguided man who is shouting in Syria (ash-Sham)

(خ ۱۰۱ ص. ۲۲۸)

ابن میثم بیان می‌دارد که این جمله، یکی از آینده گویی‌های آن حضرت است و مراد از ضلیل را معاویه می‌داند؛ ولی ابن ابی الحدید این واژه را کنایه از عبدالملک بن مروان می‌داند؛ چرا که به قول او این صفات و نشانه‌ها در او از دیگران به تمام تر است. (ترجمه ابن ابی الحدید، ج ۷، ص ۱۰۰-۱۰۱)

راهکار ترجمه: (1c)؛ در ترجمه ذیل یک پاورقی اشاره شده که این شخصیت، یا معاویه است و یا عبدالملک بن مروان.

نمونه نهم: وَ اَیْمُ اللّٰهِ لَوْ فَرَّقُوْكُمْ تَحْتَ كُلِّ نَوْكَبٍ لَّجَمَعَكُمْ اللّٰهُ لِشَرِّ یَوْمٍ لَّهْمُ. (خطبه ۱۰۶)
به خدا سوگند، اگر هر یک از شما را به زیر ستاره ای بپراکنند، خدا شما را برای روز بد آنان فراهم خواهد آورد.

T2: By Allah, even if they disperse you under every star Allah would surely collect you on the day that would be worst for them.

(خ ۱۰۶ ص ۲۳۸)

ابن میثم اشاره می‌کند که مراد از «یوم» مدت خلافت بنی امیه است که بدترین مدت و سخت ترین روزگاری است که بر اسلام و مسلمانان گذشته است. (شرح ابن میثم، ج ۳، ص ۳۶) ابن ابی الحدید نیز اشاره می‌کند که «یوم» کنایتی است از ظهور سیاه جامگان و انتقام آنان از اهل شام و بنی امیه؛ سیاه جامگانی که عراقی و خراسانی بودند. (شرح ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۲۲۱، ترجمه، شرح ابن ابی الحدید، ج ۷، ص ۱۷۸)

راهکار ترجمه: (B)؛ مترجم تنها ترجمه‌ای تحت اللفظی ارائه می‌دهد و فهم آن را به غور و کنجکاوی بیشتر خواننده در فرازهای بعدی و قبلی آن می‌سپارد.

نمونه دهم: وَ یَکْثُرُ فِیْهِ الزَّلْزَالُ وَ تَشِیْبُ فِیْهِ الْاَطْفَالُ. (خطبه ۱۵۷)

روزی که پر از تشویش و اضطراب است. کودکان در آن پیر گردند و مردم در بند کرده خود اسیر.

ST: There will be much quaking and even children will get old.

(خ ۱۵۷ ص ۳۴۲)

ابن میثم نیز با اشاره به آیه‌های «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا» (زلزال، ۱) و «یَوْمًا یَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِیْبًا» (مزمّل: ۱۷) اشاره به سختی روز قیامت کرده و این فراز از کلام امام را کنایه از گرفتاری‌ها و سختی‌های قیامت می‌داند. (شرح ابن میثم، ج ۲، ص ۲۶۷)

راهکار ترجمه: (B)؛ هیچ اشاره به روز قیامت نشده است. مترجم ترجمه‌ای تحت اللفظی ارائه داده و صرفاً اشاره‌ای به زمین لرزه و پیر شدن کودکان می‌کند. اشاره به آیات مرتبط در سوره زلزال و مزمّل نیز در ترجمه دیده نمی‌شود.

نمونه یازدهم: فَخَرَجُوا یَجْرُونَ حُرْمَةَ رَسُوْلِ اللّٰهِ (صلی الله علیه وآله) (خطبه ۱۷۲)

بیرون شدند و حرم رسول خدا (ص) را با خود این سو و آن سو کشاندند،

T2: They (Talhah, az-Zubayr and their supporters) came out dragging the wife of the Messenger of Allah (the peace and blessing of Allah be upon him and his descendants)

(سید علی رضا، خ ۱۷۲ ص ۳۷۷)

بررسی بینامتنیت در متون حدیثی: مطالعه موردی ترجمه ... (لیلا نیک نسب و دیگران) ۲۴۳

در این فراز که بخشی از سخنان امیرالمومنین (ع) در نکوهش اصحاب جمل می باشد، عبارت «حُرْمَةُ رَسُولِ اللَّهِ» کنایه ای است که به معنی همسر رسول خدا (ص) می باشد و به غرض ترک لفظ اصلی بیان شده است. (رستمی، ص ۸۵)

ابن ابی الحدید می گوید که حرمت رسول خدا (ص) کنایه از زوجه اوست و منظور عایشه است. (ترجمه شرح ابن ابی الحدید، ج ۹، ص ۲۸۴، ذیل خطبه ۱۷۳)

راهکار ترجمه: (G)؛ در ترجمه معنای تلمیح تصریح شده و عبارت تلمیح حذف گردیده است.

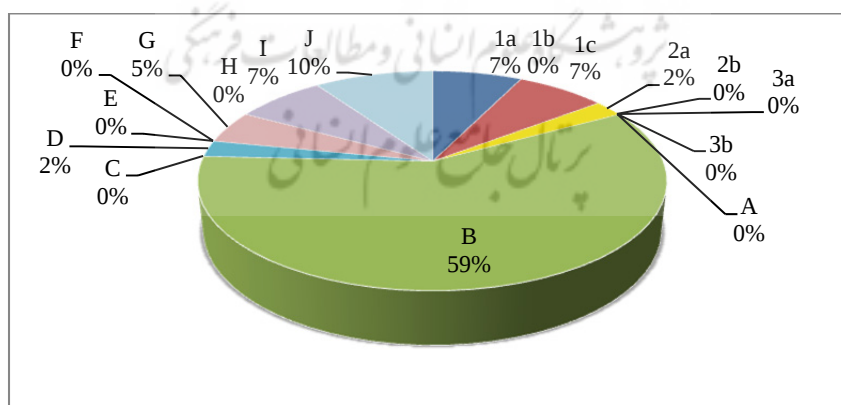
نتایج داده های تحلیل شده در جداول زیر آمده و درصد فراوانی آنها در شکل ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱. فراوانی راهکارهای ترجمه تلمیحات اسامی خاص (بینامتنی علم)

راهکارهای ترجمه بینامتنیت علم	1a	1b	1c	2a	2b	3a	3b	کل راهکارها
فراوانی	۳	۰	۳	۱	۰	۰	۰	۷

جدول ۲. فراوانی راهکارهای ترجمه عبارات تلمیحی (بینامتنی لفظی)

راهکارهای ترجمه بینامتنیت لفظی	A	B	C	D	E	F	G	H	I	J	کل راهکارها
فراوانی	۰	۲۴	۰	۱	۰	۰	۲	۰	۳	۴	۳۴



شکل ۱. درصد فراوانی راهکارهای ترجمه تلمیحات اسامی خاص و عبارات تلمیحی

۵. بحث و بررسی

دو دسته از روابط بینامتنی علم (تلمیحات اسامی خاص) و روابط بینامتنی لفظی (عبارات تلمیحی) نهج البلاغه استخراج شد و با توجه به حجم مقاله در مجموع ۴۱ نمونه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. لازم به ذکر است که از میان تلمیحات موجود در این اثر بعضی از موارد به صورت بینامتنیت آشکار (صریح) و برخی به صورت بینامتنیت پنهان (ضمنی) قابل دسته بندی بودند. در این پژوهش محققین صرفاً به بررسی دسته دوم پرداخته اند یعنی تلمیحاتی که بدون نیاز به توضیحات خارج متن و فقط با رجوع به مطالب قبلی و بعدی در نهج البلاغه قابل تصریح نباشند.

نتایج نشان می دهد که ۷ مورد تلمیح اسامی خاص یافت شد که از این موارد ۳ مورد حفظ نام بدون تغییر و ۳ مورد حفظ نام به همراه توضیحات مفصل در پاورقی متن مقصد مشاهده می شود. ۱ مورد راهکار جایگزینی نام با نام دیگر در متن مبدا به چشم می خورد. فراوانی راهکارهای دیگر صفر است.

۳۴ مورد عبارات تلمیحی در این اثر یافت شد که از این تعداد ۲۴ مورد به روش تحت اللفظی ترجمه گردید. بعد از آن راهکار ترکیبی بیشترین فراوانی را دارد؛ مترجم از ترکیب ترجمه تحت اللفظی و تصریح تلمیح بهره برده است. ۲ مورد از تلمیحات نیز به صورت مفهومی در متن تصریح گردید و خود تلمیح حذف شد. ۳ مورد از تلمیحات موجود بطور کلی حذف شدند و معنا هم منتقل نشد. در نهایت ۱ مورد راهکار اضافه کردن توضیحات مفصل در پاورقی دیده می شود. فراوانی سایر راهکارها صفر بود. درصد فراوانی راهکارهای ترجمه هر دو نوع تمیح اسامی خاص و عبارات تلمیحی روی شکل نشان داده شده است.

۶. نتیجه گیری

در این بخش با توجه به نتایج بررسی شده در بخش قبلی به سوالات تحقیق پاسخ داده می شود. پرسش نخست این بود؛ مترجم از چه راهکارهایی برای برگردان تلمیحات استفاده کرده است؟ و آیا بینامتنیت موجود در متن مبدا در متن مقصد نیز منعکس شده است یا خیر؟ همانطور که در قسمت بحث و بررسی شرح داده شد و در جداول ۱ و ۲ و شکل ۱ نشان داده شد، مترجم برای ترجمه روابط بینامتنی علم از دو راهکار حفظ نام بدون تغییر (1a) و حفظ نام با توضیحات (1c) استفاده کرده و از دیگر راهکارها بهره نبرده و یا بسیار به ندرت استفاده کرده

بررسی بینامتنیت در متون حدیثی: مطالعه موردی ترجمه ... (لیلا نیک نسب و دیگران) ۲۴۵

است. در برگردان روابط بینامتنی لفظی نیز بیشتر به راهکار تحت اللفظی (B) توسل جسته و بعد از آن راهکارهای ترکیبی (J)، حذف (I) و تصریح معنا (G) و توضیحات بیشتر برای متن مقصد (D) با فراوانی بسیار کم در مواردی مشاهده شد.

اگرچه تمام راهکارهای معرفی شده در مدل لپیهالم در تجزیه و تحلیل این نسخه انگلیسی یافت نشد ولی می توان این گونه نتیجه گیری کرد؛ برخی از این راهکارها ممکن است برای ترجمه قسمتهایی از این اثر مناسب و مفید به نظر آیند و در پاره ای موارد کارآیی نداشته باشند. اگر روابط بینامتنی از نوع ضمنی و مبهم باشد بدون شک استفاده از راهکار ترجمه تحت اللفظی (A) و (B) به تنهایی برای ترجمه روابط بینامتنی لفظی مناسب نیست و بهتر است با اتخاذ این راهکار به منظور حفظ زیبایی کلام و انتقال بعد زیبایی شناختی این اثر مذهبی-ادبی از شیوه های جبرانی دیگر همچون آوردن توضیحات در خارج از متن بهره جست. جایگزین کردن تلمیح با تلمیحی دیگر در متن مقصد (F)، باز آفرینی تلمیح (H) و حذف کامل (I) نیز راهکارهای مناسبی نیستند زیرا انتقال کامل مفاهیم، انسجام متن و برداشت درست مخاطبان را مخدوش می کنند و یا ممکن است درکی کامل متفاوت از متن مبدا را رقم بزنند. استفاده از عناصر فراتلمیح و نشاندار کردن متن (C) و استفاده از عناصر متنی برای اشاره به مفاهیم غیرصریح (E) اگرچه توجه مخاطبان را بیشتر متمرکز می کند ولی در انتقال پیام نهفته در ورا عبارت تلمیحی کمکی نخواهد کرد، زیرا این نوع ترجمه ها صرفاً برای مخاطبان خاص با سطح بالایی از دانش زبانی، فرهنگی و ادبی دلپذیر خواهد بود و، در صورت وجود این گروه از مخاطبان، راهکارهای مناسبی برای حفظ بعد زیبایی شناختی متن در کنار انتقال مفاهیم هستند. راهکار (D) و ترکیب درست راهکارهای موجود (J) به اقتضای بافت مقصد در موفقیت ترجمه تاثیر بسزایی خواهند داشت.

در خصوص ترجمه روابط بینامتنی علم شاید بتوان گفت بهترین راهکار حفظ نام و در نهایت جبران کردن معنای مدنظر نویسنده از طریق دیگری است (1c). حذف نام (3b)، (3a) و جایگزینی اسامی با نام های دیگر در زبان مبدا (2a) از بارمعنایی نام های اصلی می کاهد ولی در انتقال مفاهیم موثر خواهد بود اما جایگزین کردن اسامی با نام دیگری در زبان مقصد توصیه نمی شود زیرا ترجمه با آفت سوء برداشت مخاطبان متن مقصد، و انتقال نادرست معنای فرهنگی مواجه می شود.

در پاسخ به پرسش دوم که «با توجه به لزوم انتقال مفاهیم ضمنی که در این روابط بینامتنی وجود دارد، در ترجمه انگلیسی چه اندازه به خوانندگان متن مقصد توجه شده است»، با توجه

به توضیحات فوق می‌توان گفت که این ترجمه انگلیسی مفاهیم ضمنی را در بسیاری از موارد منتقل نکرده و سعی شده زیبایی کلام ادبی و معانی همانگونه که در متن مبدا هستند انتقال یابند، بنابراین تصریح صورت نگرفته و کشف و درک این مفاهیم غیرصریح را به خود خواننده محول کرده است. با توجه به اینکه مخاطبان انگلیسی زبان احتمالاً با این دسته از متون حدیثی آشنایی چندانی ندارند چگونه می‌توان انتظار داشت که پیام حضرت و آنچه در این کتاب ارزشمند با زبان تلمیح و اشاره بیان شده است برای مخاطبان زبان و فرهنگ ناآشنا با این مفاهیم نیز کارآیی داشته باشد. بدین ترتیب، به استثنای برخی از موارد که توضیحات برای روشن شدن مطالب اضافه شده است مترجم در ترجمه، مبدا-محور عمل کرده و خواننده-محوری برای وی در اولویت نبوده است.

پی‌نوشت‌ها

1. Good House means 'Mecca' while the bad neighbors mean the 'Unbelievers of Quraysh

۲. «مَهْزُومَةُ الْكَشْحِينَ خَرَمَاءُ الْحَسَنِ»

۳. کنایه اقول: و لعلّه کنی بالیمین و الشمال [الیمین و الشمال مضلّة و الطريق الوسطی هی الجادة] عن طریق الجبت و الطاغوت، و بالطریق الوسطی عن طریق الولاية له علیه السلام.

کتاب‌نامه

- ابن میثم، میثم ابن علی (۱۳۶۲). شرح نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر الکتاب.
- ابن ابی الحدید، عز الدین ابوحامد (۱۳۳۷). شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۶، نوبت اول، قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی.
- خسروی، مهشید (۱۳۹۹). «بررسی مقایسه‌ای ترجمه‌ی تلمیح (اشاره) در دو ترجمه‌ی فارسی از هملت طبق مدل پی هالم» (پایان نامه کارشناسی ارشد)، موسسه آموزش عالی زند شیراز.
- دلنواز احمدی، فاطمه (۱۳۹۷). «انتقال تلمیحات زبانی در دوبله فارسی فیلمهای سینمایی: مطالعه موردی فیلم سینمایی کوئنتین تارانتینو» (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه فردوسی مشهد.
- رستمی، غلامرضا (۱۳۷۳). «بررسی کنایه در نهج البلاغه» (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه اصفهان.
- رضا، سید علی (۱۹۸۷). نهج البلاغه/میرالمومنین علی بن ابی طالب، تهران: انتشارات سازمان جهانی خدمات اسلامی.

بررسی بینامتنیت در متون حدیثی: مطالعه موردی ترجمه ... (لیلا نیک نسب و دیگران) ۲۴۷

شفیعون، محمدرضا (۱۳۹۹). «روابط بینامتنی در ترجمه تلمیحات قرآنی و واژگان دارای بار فرهنگی در اشعار عرفانی مولانا به انگلیسی توسط نیکلسون و آربری: تقابل یا توافق» (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه شیخ بهایی اصفهان.

صفری، محمود و نیک نسب، لیلا. (۱۴۰۰). «تلمیح در گذر از ترجمه؛ موردپژوهی: ترجمه انگلیسی داستان شاهزادگان در هفت پیکر نظامی». فنون ادبی، شماره سی و پنجم.

طباطبائی، سید محسن (۱۳۹۴). «تلمیحات قرآنی در خطبه اول نهج البلاغه»، پژوهشنامه معارف قرآنی، شماره بیست و سوم.

فرزاد، فرزانه (۱۳۹۸). *مطالعات ترجمه در پرتو نظریه های ادبیات و زبان شناسی*، تهران: انتشارات علامه طباطبائی.

نامور مطلق، بهمن (۱۳۸۶). «ترامتنیت مطالعه روابط یک متن با دیگر متن ها»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره پنجاه و ششم.

Allen, Graham (2000), *Intertextuality*, London and New York/ Routledge.

Chandler, Daniel (2007), *Semiotics: The basics*, Routledge/ London.

Gale, Monica R (2000), *Virgil on the Nature of Things: The Georgics, Lucretius and the Didactic Tradition*. Cambridge/ Cambridge University Press.

Hatim, Basil & Mason, Ian (1990), *Discourse and the translator*, London/ Longman.

Leppihalme, Ritva (1997), *Culture Bumps: An empirical approach to the translation of allusions*, Clevedon/ Multilingual Matters.

Lennon, Paul (2004), *Allusions in the Press: An Applied Linguistic Study*, Berlin/ Mouton de Coruyter.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی